ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ مدیرمسئول: علی عالی ■ تلفن: ۱۴_۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■ سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷_۱۳۰۰_۸۸۵۰
_۸۸۷۴۶۵۸۳ ■ انتشارات: ۵و۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰_۸۸۵۲۱۹۵۴ ■ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸/ صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii

یکشنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۹- شماره ۶۶۴۸

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 3000 45 12 13

www.INN.ir

info@inn.ir

دیگر رسانه‌ها

از منصوریان تا استراما؛ شهرخودرو علیه نیمکت استقلال

بازی کردن با شهرخودرو، این فصل برای استقلالی ها معنی و مفهومی حساس‌تر از هر سال دارد. روی نیمکت حریف، مهدی رحمتی ستاره سال های گذشته شان نشسته که با انگیزه زیادی روبه‌روی شان قرار می گیرد و شاید، یکی از گزینه های مربیگری استقلال در سال های آینده هم باشد. مهم‌تر از آن اما، سرنوشت مشترک سه مربی استقلال رویارویی با این تیم است. فرهاد مجیدی، آندره آ استراماچونی، وینفرد شفر و علیرضا منصوریان، چهار مربی آخر استقلال هستند که سه نفرشان، بعد بازی با شهرخودرو یا از این تیم جدا شدند یا روی لبه تیغ قرار گرفتند. امتیازگیری نه چندان خوب استقلال، توقف مقابل صنعت نفت وبیکان و حاشیه های تیم، باعث شده این بازی برای فکری هم حساسیت بیشتری داشته باشد. شاید مربیان قبلی استقلال هم، فکر نمی کردند بازی با شهرخودرو تا این حد برای شان حساس شود.

دست‌های منصوریان

اولین مربی استقلال که مقابل شهرخودرو باخت و روی لبه تیغ رفت، علیرضا منصوریان بود. منصوریان لیگ هفدهم بعد از یک برد در ۴ بازی ابتدایی، با شهرخودرو که آن زمان پدیده نام داشت، بازی کرد. آنها در تهران، ۲ گل خوردند و مسابقه را واگذار کردند. دقایق پایانی مسابقه، منصوریان که حسابی مورد غضب هواداران استقلال قرار گرفته بود، به شکل عجیبی دست های مهاجری مربی حریف را گرفت و با اوبازی را تماشا کرد. رفتاری که مدت ها سوژه رسانه ها و شبکه های اجتماعی بود. منصوریان، پس از پایان مسابقه حاضر به استعفا نشد اما جایگاهش آنقدر به خطر افتاد که می شد پایان او روی نیمکت آبی پوشان را حدس زد. عمر مربیگری منصوریان در استقلال، فقط دو هفته دیگر ادامه داشت.

اخراج باورنکردنی

وینفرد شفر، جانشین منصوریان هم در بازی با پدیده شغلش را از دست داد. استقلال لیگ هجدهم که برای قهرمانی می جنگید، ۴ هفته مانده به پایان لیگ در مشهد با پدیده بازی کرد. بهنام برزای، تک گل تیم گل محمدی را زد و فشار سنگین استقلال تا دقیقه نود، نتوانست نتیجه را برگرداند. با این شکست، استقلال هنوز شانس مناسبی برای قهرمانی داشت و بد هم نتیجه نگرفته بود، ولی مدیران باشگاه در تصمیمی غافلگیرکننده حکم به برکناری شفر دادند. فرهاد مجیدی، سه هفته پایانی روی نیمکت استقلال نشست و این تیم را هدایت کرد. شفر در مصاحبه هایش، بارها تأکید کرد تا چه حد از تصمیم باشگاه غافلگیر شده است.

صدرنشینی تلخ

استقلال از لیگ پانزدهم تا امروز، فقط با استراماچونی صدرنشینی را تجربه کرده است. شادی که خیلی برای شان دوام نیاورد. استقلال استراما، از هفته ششم نتایج فوق العاده‌ای گرفت و هفته سیزدهم، با شهرخودرو بازی کرد. مسابقه‌ای که ده ها هزار تماشاگر را به آزادی کشاند و با برد استقلال به پایان رسید. استقلال، در صدر جدول قرار داشت و اوضاع به نظر خیلی خوب بود. پس از مسابقه اما همه چیز ناگهان تلخ شد. استراما از استقلال رفت و نامه فسخ قرارداد اش را به باشگاه فرستاد. با برگزاری بازی های عقب افتاده، استقلالی ها صدر جدول را از دست دادند و از سه بازی بدون سه مربی، فقط ۴ امتیاز گرفتند. استراما بر خلاف منصوریان و شفر، با پیروزی مقابل شهرخودرو، پرونده حضورش در استقلال را بست.

(این مطلب پیش‌تر در سایت فوتبال ۳۶۰ منتشر شده بود)

عکس روز

دختران نینجا

گروه دختران نینجا شش سال است که تشکیل شده و زیر نظر «سنسی طاهره یوسفی» تمرین می کند. این گروه پس از شیوع ویروس کرونا تمرینات خود را در فضای باز و در یکی از بوستان های جنگلی اصفهان انجام می دهند. «سنسی» در زبان نینجایی به معنی مربی است و یکی از درجه های این رشته محسوب می شود. این عکس را خبرگزاری ایرنا منتشر کرده. به نظر می رسد بعد از مسابقه عصر جدید و نمایش دختران نینجا در این برنامه که از شبکه سوم سیما پخش می شد، علاقه مندان این رشته بیشتر از قبل شده اند.

کاریکاتور

عمر ممانی

جام جهانی ۱۹۸۲ مدعیان زیادی داشت. آلمان با داشتن کارل هاینز رومنیگه، برایتنر و لیتبارسکی، برزیل با داشتن ستاره هایی مثل دکتر سوکراتس، زیکو و فالکائو و حتی لهستان که آن روزها با مهاجمی مثل بونیک حسابی ترسناک بود اما عاقبت جام با درخشش پائولو روسی به دست ایتالیا رسید. او هم با زدن ۶ گل آقای گل مسابقات شد و هم در پایان جایزه بهترین بازیکن جام را دریافت کرد. روسی در نیمه نهایی هر ۲ گل بازی را وارد دروازه لهستان کرد و در فینال هم اولین گل بازی را زد. پائولو هفته پیش در سن ۶۴ سالگی دار فانی را وداع گفت.

در چنین روزی

۲۳ آذر ۱۳۸۰

میران در مسابقات بین المللی کره جنوبی طلا گرفت

فدراسیون جودو اعلام کرد «سیدمحمودرضا میران» جودوکار وزن به اضافه یکصد کیلوگرم ایران مدال طلای رقابت‌های بین المللی جودو آزاد کره جنوبی را که در شهر ججو این کشور جریان دارد، کسب کرد.

میران که عنوان قهرمانی آسیا و مدال برنز رقابت‌های جهانی سال ۲۰۰۱ را در اختیار دارد، در پیکارهای دسته به اضافه یکصد کیلوگرم این رقابت‌ها امروز در دورهای اول تا سوم به ترتیب جودوکاران کشورهای ژاپن و کره جنوبی را مغلوب کرد و در دور چهارم با شکست جودوکار چینی برسکوی قهرمانی ایستاد.

«آرش میراسماعیلی» دیگر جودوکار کشورمان که عنوان قهرمانی جهان در سال ۲۰۰۱ و مدال برنز مسابقه‌های بین المللی جایزه بزرگ در مسکوی روسیه در وزن ۷۳ کیلوگرم را در اختیار دارد، روز شنبه به مصاف حریفانش می‌رود.

تیم دو نفره جودو ایران را در این مسابقه‌ها «علیرضا امینی» و «علی‌محمد عزیزی» همراهی می کنند.

حضور در این مسابقه‌ها به دعوت فدراسیون جودو کره جنوبی صورت می گیرد و تمامی هزینه‌های رفت و برگشت و اقامت به عهده کشور میزبان است.

سوژه

گریزمان هم به سرنوشت اوزیل دچار می‌شود؟

لغو قرارداد با هوآوی در حمایت از مسلمانان اویغور

آنتوان گریزمن، قرارداد خود را با اسپانسر قدیمی‌اش هوآوی، فسخ کرد. او در اعتراض به نقشی که گمان می‌رود شرکت هوآوی در ساخت نرم‌افزاری دارد که از طریق تشخیص چهره چینی می‌تواند محل مسلمانان اویغور را مشخص کند، به این قرارداد پایان داد.

مهاجم بارسلونا و تیم ملی فرانسه از شرکت چینی هوآوی خواست تا از «نفوذ خود» برای ترویج حقوق بشر برابر برای تمام انسان‌ها استفاده کند. گزارش‌هایی از سوی سازمان پژوهشی آی‌بی‌وی‌ام، از طریق روزنامه واشنگتن پست منتشر شده است که نشان می‌دهد نرم‌افزاری در دست آزمایش است که می‌تواند «هشدار اویغور» بفرستد.

بنا بر این گزارش، هوآوی در همکاری با شرکت تشخیص چهره «مگویی»، سیستم شناسایی‌ای را آزمایش کرده است که می‌تواند با اسکن کردن یک جمعیت انبوه، سن، جنسیت و قومیت هر فرد را تعیین کند.

در پی انتشار این اتهام‌ها، گریزمن که در سال ۲۰۱۸ همراه تیم فرانسه قهرمان جهان شد، در اینستاگرام اعلام کرد که ارتباط خود را با شرکت ارتباطاتی هوآوی قطع کرده است؛ «در پی گمان‌های جدی که بر مبنای آن، شرکت هوآوی به تکمیل «هشدار اویغور» با استفاده از یک نرم‌افزار تشخیص چهره کمک کرده است، اعلام می‌کنم بی‌درنگ به مشارکتی که با این شرکت داشتم پایان می‌دهم. از این فرصت استفاده می‌کنم تا از هوآوی بخواهم به تکذیب این اتهام‌ها بسنده نکند، بلکه هر چه زودتر اقدام به محکومیت این آزار دسته‌جمعی و استفاده از نفوذش برای پیشبرد حقوق بشر مردان و زنان جامعه کند.»

هوآوی تأیید کرد سندی که ارتباط آن را با سیستم تشخیص چهره «مگویی» فاش می‌کند و در وبسایت شرکت منتشر شده واقعی است، ولی افزود: «این فقط یک آزمایش بود و کاربردی در جهان واقعی نداشته است. هوآوی تنها فرآورده‌هایی با منظور عام برای این نوع آزمایش‌ها فراهم می‌کند. ما الگوریتم‌ها یا برنامه‌های سفارشی تأمین نمی‌کنیم.»

یک سخنگوی سیستم مگویی گفت که سیستم‌های این شرکت برای هدف قراردادن یا برچسب‌زدن بر گروه‌های قومی طراحی نشده‌اند. گریزمن ۲۹ ساله، نخستین فوتبالیستی نیست که درباره مسلمانان اویغور صحبت کرده است.

مسعود اوزیل، بازیکن میانی آرسنال هم فشارها به جمعیت اویغور از سوی چین را محکوم کرد. در دسامبر ۲۰۱۹ گفته‌های او باعث شد تلویزیون چین از پخش مستقیم بازی لیگ برتر انگلستان میان آرسنال و منچستر سیتی، جلوگیری کند.

باشگاه آرسنال هم از این بازیکن آلمانی حمایت نکرد و در بیانیه‌ای اعلام کرد که همواره سازمانی غیرسیاسی بوده است.

آرسنال در اقدامی دور از ذهن در شروع این فصل به طور کلی نام اوزیل را از لیست تیمش خط زد تا او دست‌کم تا نیم‌فصل که شاید بتواند تیم تازه‌ای برای خودش پیدا کند، بیرون از گود بماند. بعضی‌ها معتقدند اگر آرتتا می‌توانست از اوزیل در ترکیب تیمش استفاده کند، شاید نتایج بهتری در این فصل می‌گرفت. گرچه آرسنال همواره دلیل خط زدن اوزیل از لیستش را فنی اعلام کرده است اما خیلی‌ها نمی‌توانند پیشینه حرف‌های سیاسی او را از یاد ببرند.

زادروز

سامان موحدی‌راد

مسعود، یک انتخاب سهل و ممتنع

جعبه جادویی انتخاب‌های تصادفی

تراکتور یک بار دیگر در میانه فصل مربی‌اش را از دست داد تا یکی از نامطمئن‌ترین نیمکت‌های لیگ برتر را به خودش اختصاص دهد. آنها که فصل را با علیرضا منصوریان شروع کرده بودند بعد از نتایج ضعیف در پنج بازی اول با او خداحافظی کردند و حالا هدایت تیم‌شان را به کاپیتان مسعود شجاعی دادند. بازیکن تراکتور که حالا در آخرین سال‌های فوتبالی‌اش باید تجربه مربیگری را هم داشته باشد. چنین اتفاقی چند سال پیش برای علی دایی هم رخ داده بود. او که در دوران پایانی فوتبالش در سایپا بازی می‌کرد به یکباره و در پی بلاتکلیفی نیمکت سایپا سراز آن درآورد و البته موفق به قهرمان کردن سایپا هم شد. اتفاقی بی‌نظیر در لیگ برتر ایران. با این پیش زمینه آیا باید به حضور مسعود شجاعی هم روی نیمکت تراکتورسازی امیدوار بود؟ البته که در این میان تفاوت‌هایی میان دایی و شجاعی وجود دارد. دایی جاه‌طلبی زیادی داشت و وقتی در دوران فوتبالی‌اش به پایان راه رسید مشخص بود که علاقه‌مند به حضور روی نیمکت هم هست. چیزی که حداقل فعلاً درباره شجاعی صدق نمی‌کند و اصلاً نمی‌دانیم شجاعی هم دوست دارد روزی روی نیمکتی بنشیند یا خیر.

تجربه تراکتور در این سال‌ها نشان داده استفاده اجباری از برخی چهره‌ها با نتایج خوبی برای آنها همراه بوده. از جمله همین مورد آخر و سپردن سکان هدایت تیم به ساکت الهامی بود که بعد از بحران رفتن مصطفی دنیزلی توانست این تیم را به آرامشی نسبی و بعد هم جام قهرمانی در لیگ حذفی برساند. با این مدال باید امیدوار بود که انتخاب تصادفی و از سر اجبار مسعود شجاعی در خلأ علیرضا منصوریان بتواند خیلی شانسی تی‌تی‌های تبریز را به روزهای آفتابی برساند. به هر حال شرایط و مقتضیات زمانی این روزها فرصتی را برای مسعود شجاعی ایجاد کرده که هدایت یکی از پرمهره‌ترین تیم‌های ایرانی را بر عهده داشته باشد. چیزی که شانس بزرگی برای هر علاقه‌مند به مربیگری در روزهای آغازین دوران حرفه‌ای است.

نفر به نفر

میعاد نیک

رهبر جدید قزلباشان تبریزی

کاپیتان – سرمربی مسعود!

ماجرای مسعود شجاعی و تراکتور در فوتبال ایران مسأله غریبی نیست و به دفعات چنین موضوعی را مشاهده کرده‌ایم. موفقیت‌آمیزترین نمونه آن در سایپایی بود که با علی دایی مربی- بازیکن به مقام قهرمانی در لیگ ششم رسید و جدیدترین نمونه‌اش هم به ماجرای سیدمهدی رحمتی و شهرخودرو در مسابقات لیگ قهرمانان آسیا و متعاقباً لیگ بیستم انجامید. البته در تیم سایپا تکلیف کاملاً مشخص بود و علی دایی نقش یک رهبر را درون و بیرون از رختکن ایفا می‌کرد و در شهرخودرو هم نام سیدمهدی رحمتی به شکل صوری به‌عنوان یک بازیکن در لیست آسیایی تیم مشهدی رد شد، اما مسعود شجاعی را هنوز نمی‌توان جدیدترین سرمربی لیگ بیستم دانست.

مسعود با توجه به تجارب فوتبالی پربارش از فوتبال اروپا و قدرت رهبری و کاریزمایی که از کاپیتانی تیم ملی به ارث برده، نقش یک آلترناتیو اجباری را اجرا می‌کند تا هیأت مدیره باشگاه تراکتور به جمع‌بندی نهایی درباره انتخاب جایگزین علیرضا منصوریان دست پیدا کند. قطعا اگر این اتفاق در روزهای فیفادی و یا در تعطیلی لیگ رخ می‌داد، خبری از معرفی کاپیتان مسعود به‌عنوان سرمربی موقت تیم تبریزی نبود اما کوران مسابقات لیگ و دو تقابل حساس مقابل ماشین‌سازی و پیکان، مدیران تراکتور را بر آن داشت تا زمام امور هدایت و رهبری بازیکنان قرمزپوش را به شجاعی باتجربه بسپارند تا خود را برای انتخاب یک گزینه دهان‌پرکن آماده کنند.

بازی‌های پیش روی تراکتوری‌ها آنچنان سخت نیست و بازیکنان فعلی این تیم با کمی همبستگی و برنامه‌ریزی می‌توانند ۶ امتیاز آتی را در تبریز نگاه دارند. مسعود شجاعی با اتکا به حضور همبازیان باتجربه‌اش و با پیاده کردن کمی از تفکراتی که در اروپا و تیم ملی آموخته، می‌تواند تیمش را در دربی تبریز و در تقابل با تیم مهدی تارتار برنده از میدان خارج کند تا شرایط روانی اردوی تراکتور را برای سرمربی بعدی که احتمالاً نام کوچکی هم نیست، مهیا کند. در این هفته‌ها نقش مسعود و یارانش حتی از مدیران باشگاه تراکتور هم پررنگ‌تر است و کاپیتان سرخ‌ها می‌تواند فرمول‌های لیگ بیستم را در ۲ بازی تغییر دهد.

گزارش یک

سام ستارزاده

بازیکن‌های بزرگ لیگ با کدام ویژگی سرمربی می‌شوند؟

علم یا شهرت؟ مسأله این است!

مسعود شجاعی نخستین بازیکن لیگ برتری نیست که راه صدساله را یک‌شبه طی‌کرده و هرچند با پسوند موقت، نفر نخست نیمکت تیمی به بزرگی تراکتور می‌شود؛ آن‌هم در شهر آورد تبریز. فوتبال ایران از حوالی همین مواقع در سال گذشته که آندره آ استراماچونی چمدانش را برای یک رفتن همیشگی بست، سرمربیگری وریا غفوری و سیدمهدی رحمتی را نیز به خود دیده است. موقت یا دائمی بودن سمت آنان اهمیتی ندارد. آن چه باید مورد توجه قرار گیرد این است که این نام‌ها فاقد دانش فنی مربوط به هدایت یک تیم فوتبال و همچنین، تجربه قرارگیری در جای یک سرمربی هستند.

سرمربیگری محرم نویدکیا در سپاهان نیز بی‌شباهت به تجربه مشترک استقلال، شهرخودرو، وحال، تراکتور نیست. منکر آن نیستیم که سپاهان نویدکیا در دفاع و حمله با برنامه کار می‌کند و بازی به بازی نشانه‌های پیشرفت فنی را در آن می‌توان دید. اما از این حقیقت هم نمی‌توان چشم فرو بست که دیدار سپاهان- النصر در لیگ قهرمانان آسیا، نستین تجربه رسمی اسطوره طلایی پوشان در تمام رده‌های سنی بود.

سرمربیگری یک تیم، به‌ویژه چهار تیم نامبرده که در فوتبال باشگاهی ایران از حرفه‌ای‌ترین‌ها هستند، یک امر تک‌بعدی نیست. یک سرمربی بدون تجربه برخورد با معضلات و دست‌اندازهای حضور در تورنمنت‌ها، بازی‌ها، و تیم‌های بزرگ، نمی‌تواند مطمئناً به کنترل حواشی، اتخاذ تصمیمات بزرگ و واکنش‌های صحیح، و تقویت بازیکنانش از بعد ذهنی بپردازد. دنیای سرمربیگری مانند بازیگری نیست که مسعود شجاعی با یک حرکت خلاقانه گره مسابقه‌ای را به سود تیمش بگشاید. علوم تغذیه، بدنسازی، روانشناسی و... اگر به مطرح‌ترین ستاره‌های فوتبال جهان به طور آکادمیک آموخته نشود، آنها بدل به یک شخصیت موفق در دنیای پیچیده سرمربیگری نمی شو ند .

در مورد تراکتور به طور خاص، یک سؤال پررنگ مطرح می‌شود: چرا مدیران باشگاه حاضر شدند نیمکت پرشورها را به مسعود لالیگایی اما بدون دانش آکادمیک سرمربیگری بسپارند، اما از مربیان تیم‌های پایه خود استفاده نکنند؟ پاسخ این سؤال، احتمالاً یک نقطه ضعف مشترک میان تمام تیم‌های لیگ است.

پیش از آغاز فصل بیستم لیگ خلیج فارس، بسیاری حضور مربیان جوان پرتعداد روی نیمکت‌ها را به فال نیک گرفتند. اما به این آمار توجهی نشد که هیچ یک از این مربیان کم سن‌وسال، از دل تیم‌های پایه باشگاهشان بیرون نیامدند. نام‌هایی نظیر نویدکیا، رحمتی و ابراهیم صادقی، به نیمکت سپاهان، شهرخودرو و سایپا رسیدند؛ بدون این‌که حتی در آکادمی این باشگاه‌ها یا فضایی مشابه آن در سمت جدید و حساسشان کارآموزی کرده باشند. به اضافه، هیچ‌یک از آنان مدرک مربیگری پرولایسنس یوفا را کسب نکرده‌اند.

سرمربیگری موقت شجاعی در تراکتور، نه از روی برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری، بلکه از سر استیصال بابت برکناری بی‌حساب و کتاب علیرضا منصوریان رقم خورده. هوشنگ نصیرزاده، معاون ورزشی تراکتور، از طرف سازمان لیگ قانون منع جذب مربی خارجی را برای نخستین مرتبه اعلام کرد و بر منفعت آن برای فوتبال باشگاهی کشور و رشد مربیان جوان ایرانی اصرار ورزید اما اکنون حاضر به اعتماد به مربیان پایه باشگاهی که در آن مسئولیت دارد نیست و دریافته که در بازار داخلی نیز نامی درخور شأن نیمکت تراکتور پیدا نمی‌شود. از این رو، چه موقت چه دائمی، انتخاب قرمزهای تبریز برای ما تکراری است: انتخاب شهرت به جای علم برای تصدی سکان هدایت تیم و سنگر گرفتن پشت شهرت سرمربی خوش‌آوازه.

سرمربیگری موقت شجاعی در تراکتور، نه از روی برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری، بلکه از سر استیصال بابت برکناری بی‌حساب و کتاب علیرضا منصوریان رقم خورده. هوشنگ نصیرزاده، معاون ورزشی تراکتور، از طرف سازمان لیگ قانون منع جذب مربی خارجی را برای نخستین مرتبه اعلام کرد و بر منفعت آن برای فوتبال باشگاهی کشور و رشد مربیان جوان ایرانی اصرار ورزید اما اکنون حاضر به اعتماد به مربیان پایه باشگاهی که در آن مسئولیت دارد نیست و دریافته که در بازار داخلی نیز نامی درخور شأن نیمکت تراکتور پیدا نمی‌شود

تک به تک

علی کمانگری

آیا شجاعی تبدیل به مربی موفقی خواهد شد؟

...و ناگهان مسعود سرمربی!

چند روز بعد از اخراج ناگهانی علیرضا منصوریان از هدایت سرمربیگری تیم تراکتور، محمدرضا زنوزی تصمیم گرفت مسعود شجاعی، کاپیتان اول تیمش را به عنوان سرمربی- بازیکن- کاپیتان موقت انتخاب کند. این انتخاب در حالی به وقوع پیوست که به نظر می‌رسید در چند روز اخیر زنوزی تحرکاتی را برای آوردن کارلوس کی‌روش به شهر تبریز آغاز کرده بود که به دلیل قانون ممنوعیت جذب بازیکن و مربی خارجی، این مسأله حداقل تا نیم‌فصل به تعویق خواهد افتاد. از طرف دیگر، ساکت الهامی، سرمربی که فصل گذشته به صورت موقت بعد از مصطفی دنیزلی هدایت سرخ‌های آذربایجان را برعهده گرفته و اتفاقاً نتایج خوبی را هم کسب کرده بود، به دلیل جنجال‌های دیدار فینال حذفی مقابل استقلال به نظر تا ماه‌های آتی از فعالیت‌های فوتبالی محروم است و این گزینه هم از دسترس زنوزی خارج شده. بنابراین، شایعاتی مبنی بر این که شجاعی حداقل تا نیم‌فصل هدایت تراکتور را عهده‌دار باشد، قوت گرفته است. مسعود هم بلافاصله بعد از انتصابش به عنوان سرمربی، علی نیکبخت را به عنوان دستیار اول به کادر فنی خود اضافه کرده و با توجه به اخباری که این روزها از تمرینات تراکتور مخابره می‌شود، ظاهراً نیکبخت طراحی و اجرای تمرینات را انجام می‌دهد و شجاعی بیشتر در حوزه‌های مدیریتی- نظارتی فعالیت می‌کند.

انتخابی مشابه انتخاب مسعود شجاعی به عنوان سرمربی یک تیم، چند ماه پیش در باشگاه شهرخودرو و برای مهدی رحمتی هم به وقوع پیوست، اما رحمتی بعد از عملکرد ضعیف با تیمش در رقابت‌های لیگ قهرمانان، تصمیم گرفت که رسماً از دنیای بازیگری خداحافظی کند و تنها به عنوان سرمربی در باشگاه مشهدی فعالیت کند. مشهورترین نمونه این شکل انتخاب‌های یک بازیکن به عنوان سرمربی یک تیم هم به دوره ششم لیگ برتر بازمی‌گردد؛ جایی که علی دایی به عنوان سرمربی- بازیکن- کاپیتان در تیم سایپا فعالیت کرد و توانست نارنجی‌پوشان را به مقام قهرمانی لیگ برساند و بعد از دنیای بازیگری خداحافظی کند.

این که مسعود راه علی دایی را در پیش خواهد گرفت و حداقل تا نیم‌فصل در هر دو جنبه سرمربیگری و بازیکن بودن فعالیت خواهد کرد یا مانند مهدی رحمتی ترجیح خواهد داد خداحافظی بی‌سروصدایی از دنیای بازیگری داشته باشد، پرسشی است که تا چند هفته دیگر تکلیف آن روشن خواهد شد اما پرسش مهم‌تر اینجاست که آیا از مسعود شجاعی مربی توانمندی بیرون خواهد آمد؟

مسعود سال‌ها سابقه حضور در فوتبال اسپانیا، یونان و کشورهای حوزه خلیج فارس را داشته و از نظر تجربه بین‌المللی و کار با مربیان گوناگون در وضعیت خوبی قرار دارد. به علاوه این که در چند سال اخیر او بارها و بارها در تیم ملی و باشگاه تراکتور بازوبند کاپیتانی را بر دستانش بسته و این مسأله طبیعتاً روی توانایی رهبری او در بیرون زمین هم تأثیر مثبت خواهد داشت. بنابراین روی کاغذ به نظر می‌رسد او فاکتورهای اولیه را برای تبدیل شدن به یک مربی بزرگ در جیب خود داشته باشد، اما چیزی که مشخص است او هم همانند مهدی رحمتی و محرم نویدکیا و سایرین، نیاز به گذراندن دوره‌های مربیگری و در کنار آن مطالعات شخصی در این عرصه دارد. بعد از وقوع این اتفاقات می‌توان به آینده مسعود در حوزه مربیگری خوشبین بود.